



صنعت



کمونیست

دی ۱۳۸۴ - ژانویه ۲۰۰۶

Mahane

سر دبیر: فاتح شیخ دستیار: عبدالله شریفی

## به کارگران شرکت واحد آزادی اصائلو در گرو تصمیم شماست!

گفته بی ربطی به نظر برسد. اما قبل از همه کارگران شرکت واحد و همه انسانهای درگیر مبارزه با جمهوری اسلامی متوجه هستیم، این ممکن ترین ابزار رهایی اصائلو از سلولهای زندان جمهوری اسلامی است. کارگران و مردم معترض بارها این را تجربه کرده ایم.



رحمان حسین زاده

جمهوری اسلامی قصد از میدان بیرون کردن یک رهبر کارگری و دبیر یکی از معدود تشکلهای مستقل کارگری در ایران را کرده است. قصد زهر چشم گرفتن از کل کارگران و مردم معترض را کرده است. قصد کرده یکبار دیگر اعلام کند، متحد و متشکل کردن و اعتصاب کردن تحت حاکمیت سیاه اسلامی بهای سنگینی دارد. بشکنجه و پلپوش دوزی و اعمال چنایکارانه دیگری به همراه دارد. بنابر این جمهوری اسلامی اگر نتواند اصائلو را سر به نیست کند، کمترین کاری که در دستور دارد فعلا اسیر کردن او در گوشه زندان است. پس این موضوع مطرح میشود راه و ابزار آزاد کردن سریع یک رهبر کارگری که همه میدانیم جرمش چیزی جز متحد و متشکل کردن کارگران و حق طلبی نیست، کدامست؟

اعمال فشار قهرتند علیه جمهوری اسلامی موثرترین اهرم آزادی سریع منصور اصائلو است. این اهرم در دست کارگران شرکت واحد است. اتحاد مبارزاتی محکم و اعتصاب سراسری کارگران شرکت واحد ابزار اصلی به عقب راندن جمهوری اسلامی و تحقق آزادی اصائلو و بازگشایی سندیکای کارگران شرکت واحد است. تجربه همین یک روز اعتصاب یکشنبه 4 دی ماه که رژیم را هراسان و به ←

سه هفته از بستن سندیکای کارگران شرکت واحد و دستگیری دبیر سندیکا منصور اصائلو گذشته است. عکس العمل متحدانه و مصمم اولیه و شروع اعتصاب قدرتمند روز 4 دی ماه و تدلوم جنب و جوش اعتراضی کارگران شرکت واحد و کمپین بین المللی حمایتی هنوز منجر به آزادی اصائلو و بازگشایی سندیکو تحقق دیگر خواسته های برحق کارگران نشده است. امروز این سنوال در مقابل همه کارگران شرکت واحد و همه ما قرار دارد. آزادی اصائلو در گرو چیست؟

منصور اصائلو را جمهوری اسلامی اسیر و در زندان نگه داشته است. اما آزادی اصائلو مستقیما به مبارزه و تصمیم کارگران شرکت واحد گره خورده است. این حکم متناقض برای یک ناظر بیرونی و یک فرد نا آشنا به روند تحولات در ایران و نا آشنا به کشمکش و مناسبات کارگران و مردم با جمهوری اسلامی احتمالا

متن زیر یک اطلاعیه نمونه از حزب کمونیست کارگری - حکمتیست در قبال دستگیری منصور اصائلو، دبیر سندیکای کارگران شرکت واحد است که برای درج در "ماهانه" برگزیده ایم

## اصائلو کجاست؟ آزادی کنید!

مدت شش روز از دستگیری منصور اصائلو، دبیر سندیکای کارگران شرکت واحد میگذرد. او را به جرم دایر کردن اتحادیه و فعالیتهای دفاع از حقوق کارگری شبانه از خانه اش ربوده و روانه زندان کرده اند. با اتهامات بعدی مبنی بر فعالیتهای سیاسی و بعلاوه اقدام بر علیه "امنیت ملی"، برای اهداف ضد انسانی و انیت و آزار بیشتر میخواهند پرونده او را سنگین کنند. بنا به اخبار هم اکنون در زندان اوین محبوس است.

بیش از این اطلاع دیگری از سرنوشت اصائلو در دست نیست. اما همینقدر، گواه یک کارگر و شهروند شریف و حق طلب است که درست به همین جرم تحت آزار و تعقیب قرار گرفته است. همینقدر! ←

## مطالب دیگر این شماره ضمیمه

نتایج و چشم انداز

اعتصاب کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران! مظفر محمدی

صبح بخیر همشهری، به اعتصاب مشترکمان خوش آمدید! مصطفی اسدپور

تماس با ماهانه:

co.mahane@gmail.com  
fateh\_sh@yahoo.com

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

پاتوقهای کارگری را قرق کردند. اعتصاب با سکوت و بلیکوت خبری منیا روبرو گشت. در مجلس اسلامی انکار شد که اصلاً اعتصابی در جریان بوده و گفته شد که تنها یک تجمع کوچک کارگران برای یادآوری خواسته‌هایشان بوده است. شورای اسلامی شهر تهران و رییس آن چمران تا قالیباف شهردار تهران و سردار طلایی رییس پلیس و سرانجام زندان اوین بر علیه اعتصاب به خدمت گرفته شدند.

این همه بسیج نیروی سرکوب و تهدید صرفاً برای این نبود که صدای بخشی از طبقه کارگر را خفه کند، بلکه اساساً با این هدف انجام گرفته است که کل طبقه کارگر و جامعه بزرگ ایران را سر جای خود بنشانند. می‌خواهند به طبقه کارگر بگویند که خواب شکل آزاد کارگری را از سر بیرون کنید، فکر اعتصاب و اعتراض را از ذهن خود دور کنید و به مردم بگویند آزادی و حقوق انسانی در نظام جمهوری اسلامی از اول تا حالاً بی معنی بوده و دولت

تعدادی از نمایندگان سندیکا پیروزی اعتصاب بود؟ آیا این کار عقب نشینی رژیم یا توطئه‌ای برای خاتمه دادن به اعتصاب بود....

این سوالات هم برای کارگران اعتصابی و هم مردم تاکنون در هاله‌ای از ابهام قرار دارد.

تاکنون از جریان مذاکره کارگران اعتصابی با نمایندگان شرکت واحد و دولت‌ها بجز وعده قالیباف که شهرداری سرپرست شرکت میشود، خبری پخش نشده است. اعتصاب بلیکوت خبری شد و تاکنون مسایل مطروحه در جریان مذاکرات و توافقات احتمالی و بده بستانهای این مذاکرات روشن نیست.

اما آن چیزی که در صحنه یک کشمکش اجتماعی و زور آزمایی طبقاتی و در خیابانها و جلو چشم مردم اتفاق افتاد حقایق مسلم و آشکار و غیر قابل انکاری هستند.

در یک طرف این صحنه، دولت قرار دارد. نیروهای انتظامی و پلیس تهران بسیج شدند. محلهای توقف اتوبوسها و دفتر سندیکا و

## نتایج و چشم انداز اعتصاب کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران



مظفر محمدی

مطرح میکنند.

از همان ساعات اولیه شروع اعتصاب، نمایندگان سندیکای شرکت واحد بجز مدیر سندیکا آزاد میشوند. متعاقباً با پادرمیانی مدیرعامل شرکت واحد، رییس پلیس و شهردار تهران و دخالت نیروهای انتظامی و ضرب و شتم و محبوس و محاصره کردن کارگران اعتصابی در ایستگاههای منطقه‌ای شهر تهران، اعتصاب پایان مییابد. اعتصاب چگونه پایان یافت؟ آیا آزادی

اعتصاب یک روزه کارگران شرکت واحد پایان یافته است. بررسی نتایج و چشم انداز این اعتصاب برای طبقه کارگر و جنبشهای اجتماعی دیگر لازمی است.

اعتصاب رانندگان شرکت واحد در اعتراض به دستگیری نمایندگان سندیکا و برای آزادی آنها و در دفاع از سندیکا که دفتر آن توسط رژیم بسته شده است، اتفاق افتاد. همزمان کارگران خواستههای قدیمی تر خود را هم

فراخوانید و اگر نکردند بپرسید کجا بودید؟ شما محقید از همه مردم تهران بخواهید در هنگام اعتصاب شمولوسایل حمل و نقل رژیم را تحریم کنید. در روزهای اعتصاب در کنار شما باشند. به مدرسه و دانشگاه و ادارات و کارخانه نروند.

و همه در داخل و خارج دست در دست هم در دفاع از کارگران، برای آزادی اصائلو و حفظ سندیکای کارگران شرکت واحد در کنار کارگران شرکت واحد باشیم.



اصائلو و بازگشایی سندیکا به میدان آورید. تمام فلسفه تلاش منصور اصائلو و هیئت مدیره و همه شما کارگران شرکت واحد برای متشکل شدن این بود که در چنین روزهایی نیروی متحدان حافظ منافع و مطالبات و رهبران و فعالین و سندیکایتان باشد. درنگ نکنید و اتحاد و تشکل و اعتصابتان را به کار بگیرید.

با اطمینان میتوان گفت ادامه اعتصاب و مبارزه قدرتمندان برای آزادی اصائلو و بازگشایی سندیکا با ادامه حمایت بسیار وسیعتر و گسترده تر در داخل کشور و در جهان روبرو میشود. و شما محقید این حمایت گسترده را بخواهید. شما محقید حمایت فعال همه کارگران و مردم ایران را بخواهید. محقید کارگران نفت و نوب آهن و نورد و ایران خودرو و ماشین سازیها و همه مراکز کلیدی را به حمایت عملی و ملموس

است. از این گریزی نیست. با صراحت بگویم یا شما تصمیم میگیرید با اتحاد و مبارزه و اعتصاب و یا هر ابتکار دیگری در همین روزها و کوتاه مدت رهبر سندیکایتان را آزاد میکنید و یا چنین تصمیمی نمیگیرید و رهبران و دبیر سندیکایتان را زیر تیغ جمهوری اسلامی تنها میگذارید. میدانم و در جریانم که تمام دلسوزها و تلاشهای تالکونونی شما در جهت آزادی اصائلو است. اما تجربه همین مدت نشان میدهد که مقابله با مائور و توطئه های جمهوری اسلامی در جهت لیزوله کردن اصائلو هوشیاری بیشتری میخواست و میخواد. تجربه تالکونونی پوچی و وعده های قالیباف را اثبات کرده است. و تجربه همین مدت این را حکم میکند که یک بار دیگر نیروی بزرگ و قدرتمندان را در یک اعتصاب هماهنگ و به منظور آزادی فوری

→ وعده های توخالی و توطئه های ضد کارگری کشاند. همین واقعیت را بار دیگر اثبات میکند. این درست است که حمایتهای بین المللی و داخلی و اتحاد و همبستگی بخشهای دیگر کارگری و مردم در ایران بسیار مهم و تعیین کننده است. اما هیچیک از این اقدامات در غیاب اعمال فشار و قدرت خود کارگران شرکت واحد به آزادی سریع اصائلو منجر نمیشود. این حمایتها و همبستگیها را باید گسترش داد و در کنار اعتصاب و مبارزه کارگران واحد به عنوان اهرمی علیه جمهوری اسلامی بکار گرفت. اما در اصل اراده و تصمیم خود کارگران شرکت واحد تعیین کننده است. کارگران شرکت واحد! دوستان:

آزادی منصور اصائلو در دست شماست. این رسالت و وظیفه ای است که بر دوش شما

→ اتهامات و اطلاعات در رژیم جمهوری اسلامی کافی است که برای تک تک ذلایق زندان او عمیقاً نگران بود. برای آزادی او باید سنگ تمام گذاشت.

در ایران امروز و در مقابل جمهوری اسلامی دعوت برای سنگ بستن و دفاع از آزادی فعالین کارگری، نیازی به استدلال نیست. وعده های شهردار تهران جناب قالیباف در حضور کارگران اعتصابی شرکت واحد چیزی بیشتر از وعده های پوچ و سردو اندنهای همیشگی مقامات جمهوری اسلامی نبوده و نیست. رژیم سعی کرده است، سر نوشت اسائلو و سر نوشت سندیکا را از دستور اعتصاب و صف بندی کارگران شرکت واحد خارج کند. ما قبلاً گفتیم این توطئه ها را باید عقب راند.

یک کارگر پیشرو، یک سمبل سندیکای کارگران شرکت واحد و اعتصاب آنها در اسارتی مخوف بسر میبرد. باید فوراً دست بکار شد. همه جا را با عبارت "اسائلو کجاست؟ آزادش کنید" پر کنیم. صدای خود را با خواست آزادی او متحد کنیم. همه جا، از دانشگاه تا محلات و محلهای کار را با مطالبه آزادی منصور اسائلو نا آرام سازیم. پیر و جوان، زن و مرد در همه جا در این راه مایه بگذاریم. سر راست تر از این راهی برای دفاع از حقوق انسانی، برای دفاع از حقوق برحق کارگری در مقابل رژیم و سرمایه داران و گامی برای خلاصی از نکبت اسلامی حاکم جلوی روی ما نیست.

اسائلو کجاست؟ آزادش کنید!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۱۳۸۴ - ۲۸ دسامبر ۲۰۰۵



جديد ميخواهد تاريخ را برگرداند و دستوردهای مردم را باز پس بگيرد.

طرف ديگر، مردم اند که در تمام سالهای اخير و تا امروز در دانشگاهها و ۱۶ آثر و در اعتصابات مکرر کارگری و اعتراضات و پافشاری نیروی نگاه اجتماعی بر حقوق مننی و آزادیهای فردی و اجتماعی، توازن قویایی بوجود آورده اند که برگرداندن آن به عقب برای جمهوری اسلامی غیرممکن شده است. جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی مردم نگاه به جلو و افق پیروزی بر استبداد را پیشروای خود قرار داده است.

اعتصاب رانندگان شرکت واحد در دل این کشمکش واقعی و در توازن قوای معینی انجام میشود. در تلاطم تهاجم به آزادی و دستوردهای مردم، سندیکیای شرکت واحد مورد حمله قرار گرفته و دفترش را میندند و اعضای هیات مدیره اش را دستگیر میکنند. کارگران شرکت واحد در اعتراض به این تهاجم و سرکوبگری اعتصاب میکنند و آزادی نمایندگان خود و بازگشایی دفتر سندیکیا را خواستار میگردند.

این زور آزمایی است که اگر درست رهبری میشد و یا نبود، میتوانست و هنوز میتواند پیشروی بزرگی را در توازن قوای کنونی و نفع طبقه کارگر و مردم به دست بدهد. میتوانست و میتواند پاسخ ندادن شکی به تعرضات اخیر دولت به حقوق مردم بدهد.

میگویم میتواند، چرا که این کشمکش ادامه دارد. اکثریت عظیم کارگران از دستگیری دبیر سندیکیای خود ناراضی و عصبانی اند و میخواهند سندیکیایشان را سر پا نگه دارند. میخواهند با چنگ و دندان از حق شکل مستقل و آزاد خود دفاع کنند. این نیروی بالقوه و بسیار قوی وجود دارد.

اما علاوه بر فشار و توطئه و تهدیدهای دولت، موانعی در کار است که میتوانند این نیرو را کم تاثیر، کند و نا کارآمد کند. موانعی که کم تاثیرتر از مانع دولتی و پلیسی نیست. رفع مانع دولتی و پلیسی هم خود در گرو رفع این موانع درونی و خودی است.

این موانع کدامند؟

اعتصاب رانندگان شرکت واحد سراسری و يك پارچه نشد. سازماندهی این اعتصاب در غياب نمایندگانشان بر عهده فعالین ديگر تحديه افتاد، فعالینی که شاید از تجارب و اعتماد به نفس لازم برای بسیج کامل این نیرو برخوردار نبودند، اما توانستند شرکت چند هزار راننده را در ساعات اولیه اعتصاب که نیروی چشمگیری است، ممکن کنند. این اعتصاب میتوانست در ادامه به اعتصاب سراسری ۱۷ هزار راننده شرکت واحد بینجامد. این کار در اعتصاب روز یکشنبه انجام نشد.

۷ نفر از ۸ نماینده و رهبر سندیکیا از همان دقیق آغاز اعتصاب آزاد شدند. شکی نیست آزادی این نمایندگان به خاطر فشار اعتصاب و ترس از عواقب آن بود که میتوانست به دخالت و حمایت وسیع مردم تهران منجر شود. اعتصابی که سلسله اعتصاب شهر را از کار انداخته و فلج کرد و پشت رژیم را

لرزانده است. این آزادی به این دلیل میتوانست پیروزی ای برای اعتصاب کارگران محسوب گردد. میتوانست نقطه قدرت اعتصاب باشد و اعتماد به پیروزی کامل را چه در میان اعتصابیون و چه در صفوف کارگرانی که هنوز عملاً به اعتصاب نپیوسته اند بوجود بیاورد. اما این اتفاق نیفتاد.

هنوز قضاوت اینکه این نمایندگان تحت هر شرایطی، با تصمیم و اعلام همکاری با شرکت واحد و نمایندگان دولت برای خاتمه دادن اعتصاب، از زندان بیرون آمدند، زود است.

اما حضور نمایندگان آزاد شده در میان کارگران که مبیایست نبض اعتصاب را سریعتر کند، با سکوت و عدم دخالت آنها و یا شاید تاثیرشان در جهت خاتمه دادن به اعتصاب، مولجه شد. این کار هر دلیلی گروگان این صحنه بوده باشند، به ضعیف کردن شعله های يك مبارزه اجتماعی بسیار موثر که میرفت توازن قوا را به نفع طبقه کارگر و کل انسانهای جامعه ما برگرداند، كمك کرده است.

آزادی ۷ نماینده سندیکیا يك توطئه ديگر رژیم برای پایان دادن کم ترس تر اعتصاب کارگران شرکت واحد بود. اینکه نمایندگان آزاد شده به این توطئه واقف بوده اند یا نه اهمیت درجه دومی دارد. این سوالی است که خود آنها باید جواب دهند.

اعتصاب در حال حاضر خاتمه یافته است. اما موضوع اعتصاب هنوز سر جایش است. تنها خبر منتشر شده این است که قالیباف در جمع کارگران اعتصابی در منطقه شش تهران میگوید شرکت تحت نظارت شهرداری قرار میگیرد و به خواسته های رسیدگی میشود. و اعتصاب خاتمه مینماید!

هفت نماینده سندیکیا که آزاد شدند و یکی از آنها معاون دبیر سندیکیاست تحت هر شرایطی که قرار گرفته اند، سکوت کردند. اما هزاران کارگر اعتصابی و خیلی بیشتر از آنها که يك روزی اجتماع ده هزار نفری برای دفاع از سندیکیا را در مقابل تهاجم شورای اسلامی و دولت تشکیل دادند، هنوز می پرسند اصالتو کجا است؟ می پرسند مگر ما برای آزادی او اینجا اجتماع نکردیم؟ بر سر سندیکیایمان چه میاید؟ بر سر خواسته های ديگر ما چه میاید؟

هیچ توجیهی مبنی بر اینکه قالیبان قول دادند اصالتو را آزاد کنند، حتی يك کارگر شرکت واحد را اعم از اعتصاب کننده و یا حتی لهائیکه روز یکشنبه هنوز به اعتصاب نپیوستند، قانع نمیکند. این در حالیست که شهردار تهران سندیکیا را غیرقانونی اعلام کرده است و دبیر سندیکیا را با اتهام اقدام غیرقانونی ایجاد سندیکیا در زندان نگه داشته و علاوه بر آن اتهامات معلوم الحالی که به همه فعالین کارگری و دانشجویی و آزادیخواه نسبت داده میشود، به او هم نسبت داده شده است.

بنابراین موضوع اعتصاب را نمیتوان

عوض کرد. اما چرا اعتصاب پایان یافت؟ چه مذاکرات پشت پرده ای انجام شد؟ چه وعده هایی داده و یا پذیرفته شد؟ مساله آزادی اصالتو چه میشود؟ دفتر سندیکیا باز میشود؟ سندیکیا از جانب رژیم پذیرفته شده است؟ اعتصابیون را چه کسانی به خانه فرستاده است؟ همه اینها سوالات بی جواب امروز اند. بطور قطع پاسخ این سوالات بزودی روشن خواهد شد.

مسئولیت پایان يك اعتصاب را که میرفت توازن قوای اجتماعی را در مقطعی مهم از تاریخ مبارزه بر علیه استبداد جمهوری اسلامی به نفع طبقه کارگر و مردم تغییر دهد، نمیتوان تنها با سرکوبگری رژیم توجیه کرد. این سرکوب تحت چه شرایطی توانست موثر واقع شود؟

شکی نیست که برخورد فعال مردم به اعتصاب رانندگان شرکت واحد و تحریم سوار شدن اتوبوسهای این شرکت و یا ماتبینهای پلیس در روز یکشنبه خود يك فاکتور کارساز در حمایت از اعتصاب میتوانست باشد. اما صرف نظر از این در تاریخ جنبشهای اجتماعی يك مساله حیاتی، رهبری این جنبشها است.

مساله رهبری، نقطه گری هر مبارزه و جدال اجتماعی است. رهبران میتوانند پیروزی مبارزات را تضمین یا آن را به شکست بکشند. رهبران میتوانند منافع توده تحت رهبری خود را نمایندگی کنند یا به آن پشت کنند. رهبران میتوانند جنبشهای اجتماعی و حق طلبانه را به ثمر بنشانند. میتوانند آن را به جلو ببرند یا در نیمه راه متوقف کنند.

وقتی صحبت از رهبری است بحث از نیت و یا بدبینی انسانها نیست. بحث از سیاستهای معینی است که رهبران اجتماعی تعقیب میکنند. میتوان رهبر کارگر شد و رای کارگر را پشت سر خود داشت، اما سیاستی را پیش برد که ربطی به منافع کارگر ندارد. بحث بر سر سازش علی العموم هم نیست. در مقاطعی از مبارزه، ممکن است سازشهای تمیل شود و تاکتیکیهای معینی را انتخاب کرد. این سازشها در توازن قوای معین قابل توجیه است و میتوان توده تحت رهبری و جامعه را هم به آن قانع کرد.

آیا کسی میتواند ادعا کند که آزادی هفت نماینده سندیکیای شرکت واحد يك پیروزی برای اعتصاب کارگران است، و همین برای عقب نشینی و یا سازش بر سر ديگر خواسته ها جمله آزادی دبیر سندیکیا و رفع مهر و موم دفتر سندیکیا و پس گرفتن ادعا و اعلام غیرقانونی بودن سندیکیا، کافی است؟

با وجودی که اعتصاب یکشنبه پایان یافت، اما موضوع اعتصاب سر جایش هست. موضوع مبارزه و کشمکش و نیروهای این مبارزه سر جایش است. اما جای يك رهبری را ديکال و قاطع و مصمم در راس این نیروی پر قدرت و آماده خالی است. در اعتصاب بزرگ رانندگان شرکت واحد جای يك رهبری را ديکال و مصمم و سازش ناپذیر خالی بود. این را کارگران اعتصابی بیش از هر کسی با گوشت و پوست خود احساس

کرده، به این خلا واقف و از آن رنج برده اند.

این تلقی مهم بار ديگر نشان داد که جنبشهای اجتماعی به رهبری مصمم و را ديکال نیاز دارد. این واقعه بیش از هر کسی به کارگران اعتصابی شرکت واحد نشان داد که به رهبری را ديکال نیاز دارند. به رهبری مصمم و متعهد به مسئولیتی که کارگران به او سپرده اند نیاز دارند. و شاید به رهبری جديد نیاز دارند. آیا فعالین و سازماندهندگان اعتصاب رانندگان شرکت واحد در غياب نمایندگان موجود، این رهبران جديبنند؟ اما هر چه هست، تامين این رهبری و نمایندگی در دستور فوری و پیش پای ۱۷ هزار راننده و کارگر شرکت واحد تهران قرار گرفته است. نمایندگان و رهبری ای که خواسته های فوری این کارگران را نمایندگی کنند.

۱۷ هزار کارگر شرکت واحد میخواهند که همین امروز و نه فردا دبیر سندیکیا ایشان بی قید و شرط آزاد شود.

۱۷ هزار کارگر شرکت واحد میخواهند دفتر سندیکیا رفع توقیف شده و همین امروز درب آن به روی کارگران گشوده گردد.

۱۷ هزار راننده شرکت واحد میخواهند سندیکیایشان برسمیت شناخته شده و از تعرض پلیس و نهادهای دولتی مانند خانه کارگر و شوراهای اسلامی مصون بماند

این پیش شرط تحقق بقیه و تمام خواسته های کارگران شرکت واحد است. حقوق ناچیز، فشار کار، خطر جانی ناشی از ناامنی و آلودگی محیط کار و ديگر حقوق و مزایای کارگران قابل حل و تحقق نیست مگر اینکه اتفاقات فوق بیفتند

رهبری موجود تنها زمانی صلاحیت ادامه رهبری و ادعای نمایندگی هزاران راننده شرکت واحد را خواهد داشت که خواسته های فوق رای اما و اگر نمایندگی کند و ابهامات پشت پرده اعتصاب رانندگان شرکت واحد را افشا نماید. تنها با این کار نمایندگان کنونی از کارگران رای اعتماد میگیرند. در غیر این صورت عروج و به جلو صحنه آمدن يك رهبری مصمم و را ديکال کارگری در صفوف ۱۷ هزار راننده شرکت واحد ضروری و حیاتی شده است.

اعتصاب کارگران شرکت واحد را نباید خاتمه یافته تلقی کرد. این برای هیچ کارگری قابل قبول نیست. اصالتو کجا است؟ چرا سندیکیا را بسته اند؟ کارگران ديگری هنوز در زنداند. نمایندگان سندیکیا را با هر توطئه و ترفندی به سکوت و داشته اند؟ آزادی شکل و اعتصاب چه میشود؟ و تازه به دنبال پاسخ به این سوالات و جواب به آنها است مساله نان سفره خانواده های رانندگان شرکت واحد و سلامت و امنیت کارگران به جلو صحنه می آید.

زور آزمایی جدیدی در راه است و باید باشد. اعتصاب مجدد و یا تلاطم اعتصاب یکشنبه گذشته کارگران الزمی شده است. چشم انداز اعتصابی با موقعیت اجتماعی اعتصاب کنتراکشن که حمل و نقل يك شهر ده میلیونی را بر دوش دارند و حتی يك ساعت اعتصابشان شهر را فلج میکند، يك پیروزی

## صبح بخیر همشهری، به اعتصاب مشترکمان خوش آمدید!



مصطفی اسدپور

ایران در تب آزادی و رهایی از دست جمهوری اسلامی در حال سوختن است. در تفسیرهای کناری از اعتصاب شرکت واحد سریع‌الپاها به لهستان دهه هشتاد زده شد. مقایسه‌ها با مورد کشتی‌سازان بندر گدانسک و اتحادیه همبستگی و جنبشی که بر مبنای آن ساخته شده، به اشکال مختلف مطرح شده است. تشابه و تفاوت‌های ایران امروز و لهستان از اهمیت برخوردار نیست. مهم نیست که سندیکای شرکت واحد چه نقشی برای خود قایل است. مهم نیست که خواست این رانندگان تا کجا می‌رود. صاف و ساده، مردم از هر منفذی به سقوط رژیم می‌اندیشند. بی‌زاری از وضعیت موجود حد و مرزی نمی‌شاند. اما در صحنه کشمکش‌های عملی و در خیابانها مابازای این تنفر نمایندگی نمی‌شود. هنوز هم جای اعتماد بنفس لازم، تحرك و ابتکارات مختلف بشدت خالی است. مردم خود را دست کم نمی‌گیرند. نیروی خود را دست کم نمی‌گیرند. آیا یکتبشه نمونه خوبی در این زمینه نیست؟

اعتصاب کارگران شرکت واحد پایان نیافته است. نمیتواند پایان یافته تلقی گردد. بعد از یک روز طوفانی و پرتلاطم هنوز دستشان خالی است. حمله رژیم به سندیکایشان به قوت خود باقیست. تعداد زندانیانشان زیاد است. دبیر سندیکایشان را قتل و زنجیر و سر به نیست کرده‌اند. رژیم نان و امنیت و آزادی فعالین سندیکارا برای سازش و عقب نشینی به گرو گرفته است. سبک و سنگین کردن اوضاع و چگونگی کشمکش‌های بعدی امری است که بگرمی در میان کارگران و سندیکایشان در جریان است. حتماً به زودی از چند و چون آن مطلع خواهیم شد. سبک و سنگین کردن نقش خود مردم در روز اعتصابشان را هم به خود

مردم واگذار کنیم. اما لازم است ابتکار و کارآمدی شرکت واحدی‌ها را در اعتصاب یکتبشه شهرمان قدر گذاشت. این نقطه عطف را به آنها مدیونیم. به استقبال تداوم چنین فرصتهایی برویم و به این کارگران قول بدهیم که اینبار در پیش بردن شایسته اعتصابمان روی ما حساب کنند. زنده باد شرکت واحدیها!

مصطفی اسدپور

پنجم دیماه ۱۳۸۴

مظفر محمدی

۵ دیماه ۸۴ (۲۶ دسامبر ۲۰۰۵)

mozafar.mohamadi@gmail.com

www.mozafarmohamadi.com

آغاز می‌گردید. این روز، روز سر کار رفتن نبود. رساندن بچه‌ها به مدرسه از اولویت خارج میشد. روز، روز ابتکارات برای اعلام همبستگی با اعتصاب میبایست بشود. در واقفای بگبیر و ببند رژیم، از وسط آسمان نعمتی نازل گشته بود که میشد دسته جمعی کیلومترها پیاده‌راه افتاد و از کارگر و درد و حق طلبی‌اش گفت. میشد راه افتاد و عملاً اعتصاب را تقویت کرد. رانندگان اعتصاب شکن را هو کرد. شرکت واحدیهای اعتصابی را تشویق نمود. توبوسهای کمکی سپاه پاسداران بجای خود، از سوار شدن به توبوسهای در حال کار شرکت واحد هم امتناع و ممانعت کرد. اینرا دیگر باید امینوار بود که شایعه باشد که ماموران منت گذاشته و بازور مردم را سوار تومبیل‌های شخصی رهگذر کرده‌اند! در مواردی در میان ازدحام مردم ماموران انتظامی با باتوم به جان رانندگان اعتصابی افتاده‌اند!! کسی آنها را هو کرد؟ مورد حمله قرار داد؟ بیلان این روز برای شرکت واحدیها روزی پر مخطر، یک روز بدون حقوق و کلی کشمکش بود. در شهر پاریس بیلان اینگونه اعتصابها با کارناوال حمایتی مردم از اعتصابیون و صدها هزار نفری که سر کار حاضر نشدند تا در کنار خیابانها عسای دست اعتصابیون گردند، تکمیل میگردد. خبر دقیقی، اما، از روز یکتبشه تهران در دست نیست.

صد البته که کت و شلوار عقب افتاده و لیست مطالبات شرکت واحدیها به همه مردم مربوط است. بطریق اولی، البته که آزادی سندیکاجی‌های این شرکت و آزادی نمایندگانشان به هر شهروند شیر پاک خورده تهرانی مربوط است. اما کشمکش چنین روزهایی بسیار مستقیم تر به زندگی و خواسته‌ها و مبارزه و آرزوهای مردم در مقابله با نکتت اسلامی حاکم بر آنها گره میخورد. این آزادی اجتماع و آزادی تشکل، این آزادی زندانیان سیاسی، این دفاع از معیشت، این برچیدن بساط فوق ارتجاعی امثال مرتضوی‌ها، این برابری طبقاتی، و این آزمایشی از همدردی و همسرنوشتی شهروندانی با سرنوشت مشترک بود که به خیابان‌جوی‌درب‌خانه راه پیدا کرد و تک‌تک ما چاره‌ای بجز پاسخ به آن نداشتیم. روز یکتبشه بسیاری از همشهریهای تهرانی این فرصت را در مقابل خود یافتند ... مبارزه این مردم با جمهوری اسلامی پیچیده است. پر از لحظات حساب نشده است. فرصتها را باید غنیمت شمرد و از دست نداد.

رژیم می‌شاند. حتماً بسیاری از همین مردم با علاقه تحركات کارگری را تعقیب میکنند. حتماً بسیاری از همین مردم در جستجوی ابتکاراتی در حمایت عملی از کارگران معترض به این در و آن در می‌زنند. اما ویژگی اعتصاب یکتبشه در این بود که بناگهان شما خود جزئی از يك اعتصاب هستید. شما در راه کار، در حین رساندن بچه‌ها، هایتان به مدرسه بناگهان ساعتی در لحظات حساسی از يك اعتصاب شریک میشوید. در يك چرخش کلاه بناگهان کت و شلوار سالها عقب افتاده راننده شرکت واحد به شما مربوط میشوید. در این چند ساعت و چند روز، آنچه شما می‌گویید و واکنش‌های شما بر سر شرایط زندگی راننده توبوس‌تان و خانواده‌اش تاثیر مستقیم پیدا میکند. بناگهان پای شما در سرنوشت سندیکا و منصور اسانلو و نمایندگان دستگیر شده بمیان کشیده میشود. مقولات عمومی در باب "کارگران را حمایت کنید" به کنار؛ جا دارد کلاه را قاضی کرد و پرسید چه کردیم، رژیم چه کرد، و چه میبایست میکردیم. باز هم زنده باد شرکت واحدیها بخاطر این فرصتها و این سوالات!

ساکتین از همه جا بیخبر مناطق اعتصابی تهران حتماً آن روز صبح شاخ در آورده‌اند که چگونه یکفعه مدرسه و سر کار رفتن مردم تبدیل به مشغله "پرشور" نیروهای انتظامی شده است. برادران مسئول نظم، و بیشتر از همه ماموران امنیتی آن خشتک می‌رند که مردم از هر چه زودتر به هر قیمت شده لیستگاه‌ها را بسمت مقصد ترک نمایند! رژیم میدانست مشغول چیست. مساله مهم در همین نهفته است که مردم، دخالت، همراهی و تاثیر آنها در همان روز و در همان کشمکش و در همان خیابانها جنبه اصلی اعتصاب را شکل میداد. میبایست شکل میداد. میتوانست و جا داشت که شکل بدهد. ابتکار دانشجویان صنعتی شریف در پخش خبر اعتصاب ستودنی است، خبرها حکایت از ابراز سمپاتی بخشهایی از مردم هم دارند. اما اعتصاب، اعتصابی که کارگران شرکت واحد بپه سنگینی را بخاطر آن به تن می‌ایند، ناقص ماند. مردم سهم خود را ادا نکردند. از همان کله سحر و با شروع اعتصاب کارگران اعتصابی در محل دیو توبوسرانی حبس شدند. ماموران امنیتی با تهدید و کتک راه را بر آنها بستند. این اعتصاب، اما، "سر" دیگری هم در خیابانها داشت که به نقش خود عمل نکرد. مردم.

با شروع این اعتصاب روز یکتبشه دیگری

اعتصاب کارگران شرکت واحد تهران بنوبه خود واقعه‌ای بیسابقه در فضای سیاسی ایران بود. اعتصاب کارگری بوفور در این کشور رخ میدهند. اینکه اعتصابات از فضای کارخانه به خیابانها هم کشانده شوند نیز تازگی ندارند. در همین پنجم دیماه صدها کارگر کارخانه‌های نساجی جنوب یزد و پارسیلون با خانواده هایشان جلوی استانداری تجمع داشتند. خود کارگران شرکت واحد قبلاً هم با روشن کردن چراغ توبوسها و راهبندلهای مودی، اعتراضات خیابانی را برپا کرده بودند. در روز یکتبشه البته که این کارگران با اعلام قبلی اعتصاب و اجرای عملی آن، اراده و سازمانی بیسابقه‌ای را به نمایش گذاشتند. اما جنبه مهم و بیاد ماندنی در این ماجرا در این هم بود که صبح روز یکتبشه شرکت واحدیها پای صدها هزار نفر از مردم تهران را بمیان يك اعتصاب کشیدند. مردم، زن و مرد و کودک مدرسه برو، خواه نا خواه، وسط "معرکه" يك اعتصاب بودند! يك ساکن شهر پاریس از همان اوایل کودکیش چم و خم این پدیده را لمس میکند، جای خودش را فوت آب است و در هر اعتصاب سهم و دین خود را بجا می‌آورد. در ایران و کشمکش با رژیم اسلامی این تجربه و میدانی است که باید روی هوا قاپش زد، چه کارگران و چه مردم. زنده باد شرکت واحدیها!

کدام از مردم شرافتمندی را میشود یافت که به کارگر و اعتراض کارگری حق ندهد؟ چه کسی را با يك جو انسانیت میشود یافت که در تف و لعنت و نفرین دهها میلیون کارگر و خانواده آنها بر جنبه‌ای که به آنها تحمیل شده است، همراهی نکند؟ اگر مشخصه‌ای برای ایران امروز هست همین نفرت علیه باتیان جهنم اسلامیشان بر مردم، و بعلاوه آزادی مشترک برای خلاصی از آن است. علاوه بر سمپاتی و حمایت قلبی، مردم اعتصابات کارگری را از جبهه‌های مهم نبرد علیه

ما باید بار دیگر شاهد عروج رهبری کارگری در عرصه يك مبارزه اجتماعی و نه تنها صنفی حداقل به وسعت شهر بزرگ و ده میلیونی تهران باشیم. این موقعیت را تنها يك رهبری راینکال و کاردان و مصمم تشخیص میدهد و به استقبالش می‌رود.

قطعی باید باشد. این پیروزی مشروط به این است که يك رهبری قاطع و مصمم این موقعیت را دریابد و به جلو صحنه پرشکوهی بیاید که علاوه بر کارگران شرکت واحد، مردم تهران این بار میتوانند و باید نقش مهمی در آن ایفا کنند.

به حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست پیوندید!